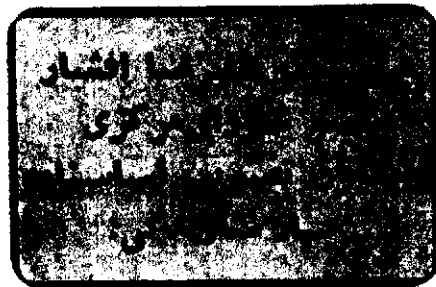


جهاد سازندگی،



تعریف نوین دستگاههای اجرائی،



متن زیر سخنرانی برادر افشار عضو شورای مرکزی در تاریخ ۶۰/۲/۱۳ در جمع اعضای جهاد یزد است، که پس از دیدار با آیت الله صدوقی و گفتگو درباره اساسنامه جهاد سازندگی ایراد شده است.

در این سخنرانی پیرامون ضرورت تصویب اساسنامه جهاد زندگی و حفظ ارزشها و ابعاد معنوی این نهاد سخن گفته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

از مدتها پیش جهاد سازندگی به مدون کردن تجربیات خودش پرداخته است و می خواهد آنها را در چهارچوب اساسنامه و قانون به نمایندگان ملت ارائه دهد. آنچه مسلم است نهادهای انقلاب براساس یکسری برنامه های پیش بینی شده و تصویب شده از قبل حرکت نکرده و همه آنها برای تجربیات انقلاب، میدانهای آزمایش بوده اند و در حقیقت مردم و انقلاب ایده آل ها و آرزوهای خودشان را در آنجا تحقق بخشیده اند. بنابراین ما اکنون در مرحله حساس هستیم، و باید تمام تجربیاتی که در گوشه و کنار مملکت و توسط افراد مختلف در زمانهای گوناگون با ویژگیهای مختلف صورت گرفته، جمع بندی کرده و زحمات و رنجها و تجربیات آنها را به چهار چوب قانون بکشیم. در حقیقت اصالت با این حرکت بوده و قانون برای بیان این حرکت است. آنچه که رسمیت دارد و اصالت دارد این حرکت و مجموعه ارزشهایی است که جهاد سازندگی برای خودش در این مدت بعد از پیروزی انقلاب تاکنون بوجود آورده، و کار جهاد سازندگی را به عنوان یک فرهنگ به مردم عرضه کرده است.

اکنون جهاد را به عنوان یک ارزش و یک فرهنگ شناخته اند. جهاد سازندگی از کار و فعالیت و ایثار با آن ابعاد معنوی یک معیار نوعی برای کار اجرائی و دستگاههای اجرائی به مرحله ظهور گذاشته است، و قادر شده ان مطالبی که در کتابها و نصاب انبیاء و موعظه های الهی بود، همه را با دست خودشان در عمل نشان بدهند. علاوه بر جهاد انقلاب ما همچنین

* جهاد سازندگی نشان داد که چگونه باید روح معنوی و ارزش های الهی و عبادی را با کار اجرائی در آمیخت و براساس آنها، تعاریفی نوین از دستگاههای اجرائی عرضه کرد.

* اساسنامه جهاد سازندگی لزوماً باید حافظ بعمد معنوی، ارتباط وسیع باتوده های مردم و حضور مداوم روحانیت در مراکز این نهاد انقلابی باشد.

در بعد نظامی و سیاسی، ارگانها و نهادهایی داشته اند که خوشبختانه در قانون اساسی هم به آن اشاره صریحی شده و جای آنها را مشخص کرده است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که مانند جهاد سازندگی یکی از نهادهای مؤثر انقلاب و حافظ و پاسدار ارزشهای آن بوده، امروز بطور کلی جایگاهش معلوم و مشخص است. اما برای جهاد سازندگی و نهادهای دیگر اجرائی متأسفانه در قانون اساسی پیش بینی صریحی صورت نگرفته و امروز برادران ما در مجلس شورای اسلامی باید آن تصویری را که در بدو امر برای اعضای محترم مجلس خبرگان ایجاد ابهام و اشکال کرده و باعث شده تا برای جهاد سازندگی با آن همه گستردگی کار و ابعاد معنوی و ارتباط وسیع با توده های مردم جای مشخصی را در قانون اساسی پیش بینی نکنند و بطور واقع بینانه ای وضعیت و جایگاه این ارگان انقلابی را از نظر قانون و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی مشخص کنند. برادر افشار آنگاه به تشریح ارزشهای اصلی جهاد پرداخته و گفت: هیچکس توان این را ندارد که برابر با فعالیتهای مثبت نهادهای اجرائی از جمله جهاد مقاومت کند و منکر اصل فعالیتهای آن شود. اما جهاد سازندگی چگونه باید باشد؟ چه ارزشهایی

اسلامی است

در جهاد اولویت دارند و بر روی چه معیارهایی از آن تکیه می‌کنیم، حیات و راندن بالایی جهاد مروه کدما یک از ارزشها و معیارهایی است که ما باید آنها را بشناسیم و روی آنها تکیه کنیم. قطعاً بعد معنوی کار جهاد سازندگی بالاترین ارزش است و از ویژگیهای خاصی برخوردار است. جهاد سازندگی نشان داد که چگونه باید روح معنوی و ارزش های الهی و عبادی را با کار اجرایی درهم آمیخت و بر اساس آنها تعریفی نوین از دستگاه اجرایی عرضه کرد. دستگاههای اجرایی که تاکنون ما می‌شناختیم و - آنطور که در فرهنگ جامعه ما منعکس بود، صرفاً ساختن و اجرای یکسری فعالیت‌های مختلف بود بدون توجه به ابعاد معنوی.

در جهاد سازندگی بعد معنوی از بعد اجرایی قابل تفکیک نیستند، و برای همه قطعاً رضای خدا و خدمت به مردم مورد نظر بوده است.

علت اصلی پیشرفت کار جهاد نیز به همین مساله مربوط میشود، اینکه توانسته است حمایت توده های وسیع مردم را جلب کند، بخاطر بعد معنوی و ایثاری است که در جهاد دنبال می‌کند. اسلام هم تأکید دارد که کار سیقل روح و عبادت باشد. با این حساب چرا ما از کارمان ارزش مضاعف بدست نیاوریم و در آن رابطه فعالیت نکیم بهمین خاطر هم اساسنامه جهاد باید طوری باشد که بعد معنوی جهاد را حفظ کند معیار دیگری که ما باید در اساسنامه دنبال کنیم، ارتباط وسیع جهاد با توده های مردم است ما باید از نیروی بسیج مردم برای سازندگی روستاها و فعالیت‌های مورد نظر خودمان استفاده کنیم، حضور مردم بوده است که در انقلاب ما همه مشکلات را آسان کرده، هر جا که مانعی سخت برای انقلاب اسلامی بوجود میامد و قصد بر هم زدن این حرکت را داشته، حضور مردم آن مشکل را از سر راه برداشته است، این مشکلات فقط وجه سیاسی و نظامی ندارند، در مسائل اجرایی هم این حضور مردم بود که توانست مشکلات را برای انقلاب، ما مرتفع کند. ما باید این شیوه را دنبال کنیم و اگر خدای ناکرده تاکنون غفلتی صورت گرفته، برای استفاده از نیروهای بسیجی مردم، باید این مساله جبران شود. باید مطمئن باشیم این کاری که صورت گرفته در روستاها و این آمارهای زیاد فعالیت‌های جهاد متکی بر کادوهای سازمانی جهاد سازندگی نیست، اینها مروه تلاش و ایثار و خود یاری همه اقشار مردم از خود روستایی که در کار خودش مشارکت داشته تا اقشار مختلف مردم در

جهاد

* جهاد سازندگی باید تابع سیاستهای دولت باشد اما ما معتقدیم که سیاستهای دولت را باید با شیوه جهادی بسازد کرد

شهرها بوده است نکه بعدی حضور روحانیت است، نمایندگان امام و روحانیونی که در جهاد سازندگی فعالیت می‌کنند در دنبال آن حرکت انقلاب ما و آن موفقیت‌هایی که در ادامه آن روحانیون در راس حرکت و با برنامه ریزی آنها و مشارکت آنها انقلاب ما پیش رفت.

جهاد سازندگی در دنباله آن در این مساله معتقد است که روحانیت نباید از برنامه ریزی و سازندگی و نظارت و رهبری هر حرکتی در جامعه ما کنار زده شود. ما فکر نمی‌کنیم که روحانیت و ارتباط با ولایت فقیه در غرض کارها مشکل گشاست، خیر! باید از اول و ابتدای کار و برنامه ریزی، برادران روحانی ما حضور داشته باشند و از طرفی هم رابطه مستقیم با ولایت فقیه با حضور نماینده امام در جهاد امکان پذیر می‌گردد تا آن بعد معنوی و ایثار لازم در اعضا، که از حداکثر نیرو و انرژی خودشان برای تحقق اهداف جهاد استفاده

ماه هیچ اصرار نداریم کارهای جهاد سازندگی

بنام خودش تمام شود، ما نمی‌خواهیم

انقلاب پیروز شود

شوند از حرکت و پویایی آنها کاسته میشود چه بسا که متوقف شوند. ما باید در سطوح پائین اجرایی هم بدانکه هماهنگی را با مسئولین داشته باشیم، در عین حالیکه نباید از معیارهای اصیل و ارزشمندی که به آن معتقد هستیم عدول کنیم. خوشبختانه در تفاهم با مسئولین هر جا که رجوع کردیم در اصول اشکالی ندیدیم، تفاهم برقرار بود. خصوصاً شخصیت‌هایی نظیر ایشان ما را بر این اعتقاد محکمتر میکند که نهادهای انقلاب باید به همین صورت به کار خودشان ادامه دهند و ویژگیهای خودشان را از دست ندهند البته باید ما روز بروز مشکلات و اشکالات خودمان را بیشتر برطرف کنیم و در جهت رشد و اصلاح و رعایت بخشیدن به معیارهای جهاد بیشتر تلاش کنیم. اوایل جهاد را منم به بی نظمی و سازمان و روی بزیید

حفظ شود کند. یا توجه به همه این حرفها، میباید با دولت هماهنگ و با سیاستهای آن همکاری کرد مطمئناً در مملکت ما نمیشود در مرکز برنامه ریزی برای کارهای اجرایی وجود داشته باشد، قانون اساسی هم اعمال قوه مجریه را برایش کانال مشخصی تعیین کرده و ما هم باید تابع سیاستهای دولت باشیم، اما معتقد هستیم که سیاستهای دولت را باید با شیوه جهادی بسازد کرد، برادرانی که در راس دستگاههای اجرایی و دولتی هستند همه آنها مانند افرادی که در نهادهای انقلاب و بهتر از آنها هستند، به فعالیت ادامه میدهند و ما هم فکر میکنیم اگر در آن سطح برنامه ای مدون شود و سیاستی رخته شود تبعیت از آن قطعاً به صلاح جمهوری اسلامی و جهاد سازندگی است. اما اساسنامه جهاد باید طوری باشد که این رابطه را به نوعی برقرار کند در عین حال که تبعیت از سیاستهای دولت را امکان پذیر میکند.



* صلاح جهاد، صلاح انقلاب است و صلاح انقلاب، صلاح جهاد است.

* جهاد سازندگی تمام آنچه را که مجلس تصویب کند، گردن خواهد گذاشت.

* قانون برای این محترم است که نظام و حرکت انقلاب اسلامی را حفظ کند، اصل این حرکتها هستند و قوانین نیز به همین دلیل مورد احترام و وثوق میباشند.

آمار فعالیتهاش را، خوشبختانه جنگ برای همه رحمت بود، برای جهاد هم رحمت بود. خدا میداند اگر جنگ نبوده چه سیار ارزشها و معیارها و سرعتها در انقلاب ما کند و یا حتی منحرف می شد ما باید همیشه زمینه هایی نظیر جنگ، نظیر کسب داشتن نیروها به محرومترین نقاط و زمینه های ایثار را بوجود آوریم، و این جز با تعالی اخلاق در میان خودمان امکان پذیر نیست، باید خودسازی و سازندگی انسانها را مقدم بر هر چیز بدانیم. اگر در این زمینه غفلت کنیم دیریا زود بدون توجه خودمان، حرکتمان منحرف میشود. باید همدیگر را توصیه به داشتن اخلاق اسلامی کنیم و در این زمینه هر قدر که میتوانیم زیاده روی کنیم، تلاش کنیم، تواضع و اخلاق اسلامی را همیشه رعایت کنیم و دیگران را نیز برای رعایت آن سفارش کنیم و خدای ناکرده غرور ما را در کار خودمان منحرف نکند، ایثار اگر خواهیم در عمل یک دید عینی از آن نداشته باشیم این است که عمل کنیم تا کار پیشرفت کند، نه خودمان علاقمند شویم که اسلام بلند شود، نه جهاد. علاقمند شویم که حرکت پیروز شود نه ما. واسوه ایثار، شهید مظلوم دکتر بهشتی بود. همیشه تلاش میکرد و همه را نصیحت میکرد و امکانات و زمینه را برای دیگران فراهم میکرد تا پیش بروند، اما توهین ها را می شنید و جواب نمیداد. مادران مدتی که افتخار داشتیم در شورای مرکز جهاد در خدمت ایشان باشیم، از نزدیک لمس میکردیم این وجه کارایشان را، یکبار به شورای مرکزی جهاد توصیه نفرستاد (که اینکار را انجام دهید، این شخص را استخدام کنید....) ولی بیشترین تلاش را میکرد و هر کجا بودجه جهاد قطع میشد از آبرو و قاطعیت و وقت خودش استفاده میکرد و با فشار و تهدید مسئولین را بکار و می داشت تا بودجه و امکانات جهاد را تامین کنند. این اسوه ایثار است. در یک

بقیه در صفحه ۶۱

برادر افشار در قسمت دیگری از سخنان خود بر رعایت اخلاق و اصول اسلامی در جهاد تاکید کرده و چنین گفت: «برای ما همین قدر باید کافی باشد که امام میفرماید فعالیت های جهاد سازندگی انسان را دلخوش می کند. شمامی دانید که دل خوش کردن امام چقدر برای ما اهمیت دارد. ورزش دارد، بیابانیم از این اهمیت و ارزشها پاسداری کنیم، و این دلخوشی را ادامه دهیم و اینکار صورت نگیرد تا زمانیکه

ناپذیری کردند و گفتند، سیاستهایی را که از مرکز اعمال میشود، برادران یابین تر تبعیت نمیکنند و در کارها اجتهاد شخصی می کنند و هر کاری را که بنظرشان برسد، انجام میدهند و از این قبیل حرفها. اما دیدیم که در عملکرد این نهاد انقلابی و در تجربیاتی که از او داشتیم نظم و سازماندهی و سازمان پذیری بیش از دستگاههای اجرایی دولتی که در چهارچوب قوانین و مقررات دست و پاگیر قدرت هر کاری و سرعت عملی را از دست داده اند، بهتر و بیشتر از آنها عمل می کنند. تهیه شناسنامه روستایی بر مدت بسیار محدود و با بودجه ای بسیار کم و در تخصصی بالنسبه زیاد و همچنین فعالیتهای سراسری مانند توزیع وام، توزیع کوبین کالاهای روستایی و یا کارهایی نظیر آنها نشان میدهد که جهاد سازندگی در مجموع نظم پذیری و سازمان پذیری بیشتر از دستگاههای اجرایی دولتی است. منتهی این نظم پذیری و سازماندهی رابطه دیگری را دنبال می کند، این بر اساس تعهد و توجه مسئولیتهاست. چیزی که در دستگاههای اجرایی از طریق دستور و بخشنامه کورکورانه و کسب مقام و حقوق و اضافه کار اعمال می شود. در نهایت ما انتظار داریم حالا که این تفاهم و توافق برای معیارهای جهاد موجود است، اساسنامه جهاد طوری تنظیم شود که این تفاهم عینیت پیدا کند.

جهاد باید یک نهاد باقی بماند نه یک دستگاه اجرایی دولتی.

بفهمیم موفقیت ما از کجا بوده و به چه دلیل بوده و برای بقاء و محکم کردن آن ریشه ها تلاش کنیم. ایثار علت اصلی و انگیزه اصلی پیشرفت کار جهاد بوده، یعنی در حقیقت حرکتی که توسط جهاد ایجاد شده، متن اصلی آنرا ایثار تشکیل میداده است. و این ایثار اگر در طول کار جهاد، در رابطه با مشکلات و یا پیشرفت و گستردگی آن مخدوش میشود، باید آنرا بنوعی زنده نگاهداشت و به نوعی آنرا گسترش داده و مدون کرد و امکان و زمینه ظهورش را فراهم کرد. ما مجبوریم روز بروز در رابطه با امکانات سازماندهی و موارد مختلف جهاد را به طرف یک سازمان خاصی هدایت کنیم، اما این سازماندهی و جهت دادن باید طوری باشد که ملاک اصلی ایثار از بین نرود و آن شعار «قل انما اعظمکم بواجده ان تقوا لله» که انگیزه حرکت ما بود کند و بی رنگ نشود و از بین نرود. کسی که به جهاد نگاه میکند اول این را ببیند، نه

ممکن است اشکالات قانونی برای مدون کردن این سیاستها و معیارها وجود داشته باشد و ما از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی استمداد می کنیم تا آنها که از نزدیکان جامعه هستند و اکثریت آنها در طول انقلاب، انقلاب را در نقاط مختلف کشور رهبری میکردند و در حقیقت نهادهای انقلاب از جمله جهاد دست پرورده خود آنها هستند، اینها توجه کنند و سعی کنند اگر اشکال قانونی هم موجود است برای رفع آن اشکال قانونی فعالیت کنند و حتی اگر لازم است خدمت امام شرفیاب شده و از ایشان راهنمایی بخواهند. آنچه که برای حفظ نهادهای انقلاب و حفظ ماهیت و عملکرد و انعطاف و سرعت عمل و ویژگیهای آنها از دستشان بر می آید نباید کوتاهی شود، قانون برای این محترم است که نظام و حرکت انقلاب اسلامی را حفظ کند. اصل این حرکتها هستند، قوانین به این دلیل مورد احترام و وثوق هستند که میتوانند این حرکتها را حفظ کنند.

جهاد سازندگی، تعریف....

پروردگان خودمان و انقلاب بدانیم. این هیچ منافاتی با هم ندارد. بهرحال اگر روزی جهاد هم وزارتخانه ای بشود با آن نظام اداری صرفنظر از مسئولین و کارکنان دولت، این حرکت اینترگرانه شماس که نخواهد گذاشت جهاد آن چنان وزارتخانه باقی بماند. اما انشاء الله اینطور نخواهد شد و قطعاً همانطور که اعضای جهاد سازندگی دلسوز این حرکت هستند دلسوزتر از آنها مسئولین و نمایندگان محترمه مجلس هستند. آنها در کل صلاح جمهوری اسلامی را بررسی می کنند، نه صلاح حرکت را. و اینها هیچ تضادی هم، باهم ندارند. صلاح جهاد، صلاح جمهوری اسلامی و انقلاب است و صلاح انقلاب، صلاح جهاد است. و ما هر چیزی را که مجلس تصویب کند به آن گردن می گذاریم و سعی می کنیم آن مصوبات را مویه مو اجرا کنیم و انشاء الله همانطور که تاکنون خداوند نظر بر این انقلاب داشته و در این حرکت، نظر او ادامه دارد و ما خواهیم توانست در همه زمینه ها و ابعاد ارزشهای انقلاب را عمق ببخشیم و محرومین جهان را که نگران و درانتظار انقلاب اسلامی هستند یاری و مدد برسانیم.

خواهیم انقلاب پیروز شود و مادر جنگ پیروز شویم، اینار زمینه اصلی در جهاد است ما چیزی جز اینار نداریم، اگر اینار را از جهاد برداریم، هیچ چیز برایش نمی ماند... منظور این نیست که در رأس ارگانهای اجرایی و یا در خود دستگاههای اجرایی فعالیت عاشقانه و اینترگرانه ندارند، نظرم اینها نبود. نظرم این نظام اداری است که باین نه تنها ما بلکه با همان کارمندان دولت هم دشمن هستند. و ما شاید واقعا بعضی وقتها تقدیری که از بعضی از مسئولین ارگانهای اجرایی و دست اندرکاران دولتی بکنیم بیشتر از اعضایی باشد که در جهاد سازندگی فعالیت می کنند چون آنها در متن و محلی رفته اند که پراز مشکلات و قوانین دست و پاگیر است و کار کردن در آنجا در جهت اسلام به مراتب مشکلتر از نهادهای انقلاب است. اما ما راه و حرکتها را مقایسه می کنیم. هیچ دلیلی وجود ندارد که اگر افراد متقی و فعالی در ادارات هستند ما از نظام اداری حمایت کنیم و دفاع کنیم، بلکه هم آنها و ما باید از نهادهای انقلاب حمایت کنیم. باید نهادهای انقلاب را فرزندان و دست

واحدی که برادران جهاد کار می کنند. در آن واحد همه باید تلاش کنند تا کار واحد راندمانش بالا برود، و لولاینکه یکنار بنام کسی دیگری تمام شود. این واحدهایی که در جهاد با هم کار میکنند به یکدیگر کمک کنند، خدای ناکرده روزی نرسد که اگر کسی به کسی در جهاد مراجعه کرد او را به یک مرکز دیگر ارجاع دهند، نگویند که قانون و نظم این چنین است. (درست است که با برنامه ریزی و نظم راندمان کار ما بیشتر می شود اما این نباید به جایی برسد که ما از خودمان رفع تکلیف کنیم. آن روستایی که به جهاد می آید و جهاد را نمی شناسد و به یک فردی برای رفع مشکل خودش رجوع میکند، باید آن فرد این کار را از خودش بداند و بدنبال کار او بدود. باید کاری کنیم که اگر کاری از دست ما برضی آید و کسی از جهاد بیرون می رود خوشحال بیرون برود. آن کاربر برای کسی که ناراضی باشد انجام دادش ارزش ندارد. اینها معیارهای اخلاقی است که باید در جهاد حفظ شود و مادر نهایت هیچ اصرار نداریم که کارهایی که جهاد سازندگی انجام میدهد بنام جهاد تمام شود، ما می

فالکند و....

آمریکای لاتین پیمان آشکار ساخته است. سوال اساسی اینست که آیا بحران فالک لند میتواند نقطه عطفی در سیاست خارجی کشورهای آمریکای لاتین تلقی گردد و سبب چرخشی در معادلات خارجی آنان نه به نفع شرق، دست کم بریدن از غرب باشد و آیا آمریکا برای حفظ یک متحد قدیمی در ناتو و اروپای غربی حاضر به دادن منطقه استراتژیکی آمریکای لاتین در کنار مرزهای خود به شوروی خواهد بود؟ بدون شک پاسخ این سئوالات منفی است و این حقیقتی است که سیاستمداران و دانشگتن نیز به آن واقفند. بهمین دلیل دانشگتن میکوشد با بهره گیری از امکانات نفوذی خود در محافل بین المللی و حتی در سازمان کشورهای آمریکائی بحران فالک لند را طوری جهت دهد که متضمن حفظ هر دو متحد خود در خدمت امپریالیسم جهانی باشد.

با برآورد نیروهای نظامی آرژانتین و انگلستان به آسانی میتوان دریافت که راه حل نظامی، مشکل فالک لند را برطرف نمی سازد. مذاکرات پشت پرده و تصمیم گیریهای سیاسی و بازیهای دیپلماتیک است که سرانجام مشخص میکند بحران فالک لند چرا و به نفع کدام دولت شکل گرفت و اینکه در آینده سرنوشت سیاسی، مجمع الجزایر فالک لند را به کجامیبرد؟

و حتی بهبود نسبی روابط مستقیم یا غیرمستقیم آرژانتین با مسکو به مفهوم بریدن از غرب و غلطیدن در دامان شرق برای آرژانتین نیست و چه بسا دولت آرژانتین به بهای خدشه دار ساختن احساسات ناسیونالیستی ملت آرژانتین حاضر به اعمال بعضی سازشگری ها با واشنگتن شود، زیرا جدائی از آمریکا با ماهیت وجودی رژیم نظامی آرژانتین منافات دارد.

حمایت آمریکا از انگلستان و امکان اعمال تحریم علیه آرژانتین که با واکنش شدید کشورهای آمریکای لاتین روبرو گردیده با توجه به روابط بسیار نزدیک آمریکا با کشورهای منطقه انجام هرگونه معادلات سیاسی را دشوار ساخته و این سوال را پیش می آورد که آیا برآستی جنگ فالکلند جنگی زرگری است یا بحرانی است در بطن نظامهای امپریالیستی که با تضاد بایکدیگر می روند تا به اضمحلال امپریالیسم جهانی کمک کنند.

کشورهای آمریکای لاتین اینک در برابر این پرسش قرار گرفته اند که حمایت آمریکا از آنان جدی خواهد بود یا تنها حمایتی صوری برای حفظ منافع خودش است. حمایت آمریکا در بحران فالک لند از انگلستان تزقدیمی و واشنگتن مبنی بر «آمریکا برای آمریکائیان» را خدشه دار ساخته و گذشته از آن بوجی پیمان «ریو» را که ضامن و درعین حال یکطرف تعهد آن امریکاست برای متعهدین

گراف آتشی را که خود افروخته است خاموش کند. اگر چه عقب نشینی ناوگان انگلستان به منزله چراغ سبزی برای ادامه مذاکرات تلقی می شود و حتی فرانسس پیم وزیر خارجه انگلیس اعلام داشته که اقدام نیروی ضربتی انگلستان بمنظور پشتیبانی از کوشش های دیپلماتیک برای حل مناقشه جزایر صورت گرفته است. لیکن واکنش آرژانتین در قبال اقدام اخیر بدرستی معلوم نیست. ژنرال گاتیری رئیس شورای حاکم نظامی آرژانتین اعلام داشته است که این کشور تانبل به پیروزی جنگ علیه انگلیس را ادامه خواهد داد لیکن نه تنها آرژانتین بلکه همه کشورهای آمریکای لاتین که در بحران کنونی به حمایت از موضع آرژانتین برخاسته اند به برتری نیروهای نظامی انگلیس آگاهی دارند و می دانند که کمک آمریکا به انگلیس مسئله دریافت کمک از سوی شوروی را پیش می آورد اما امکان کشیده شدن شوروی به جریانات کنونی برخلاف مواضعی که علیه انگلیس و به حمایت از آرژانتین و کشورهای منطقه در مبارزه با آمریکا گرفته است نه تنها از نظر آرژانتین به مفهوم جانسین شدن آمریکا نیست بلکه دیگر کشورهای آمریکای لاتین نیز که رژیمهای حاکم بر آنها از پشتیبانی آمریکا برخوردارند بسادگی حاضر به پذیرش مسکو بجای واشنگتن نیستند. ماهیت غرب گرای اکثر رژیم های آمریکای لاتین چنین فرصتی را به شوروی نمی دهد